فهرست

[مقدمه 2](#_Toc88555634)

[ادامه مبحث چهارم:قصدی یا غیر قصدی بودن ایذاء 2](#_Toc88555635)

[احتمال اول: قصدی بودن اهانت و ایذاء 2](#_Toc88555636)

[احتمال دوم: غیر قصدی بودن 2](#_Toc88555637)

[احتمال سوم: تفصیل 3](#_Toc88555638)

[حل مشکل ارتکاز با احتمال سوم: 5](#_Toc88555639)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه روابط اجتماعی / اکرام و تحقیر

# مقدمه

بحث در اکرام و تحقیر نسبت به دیگران به‌عنوان یک محور در روابط اجتماعی بود. ابتدا از اکرام سخن گفتیم بعد به اهانت و تحقیر پرداختیم. در این باب ادله عامه بر حرمت و همین‌طور روایاتی که به‌طور خاص دلالت بر حرمت می‌کرد را بررسی کردیم و نهایتاً به بیان فروع و نکاتی در ذیل ادله‌ای که حرمت را برای اهانت و تحقیر ذکر کرده بود رسیدیم. در این فروع فرع چهارم بحث این بود که اهانت و تحقیر و عناوینی از این قبیل آیا قصدیه هستند یا غیر قصدیه؟ این مبحث چهارم در ذیل مباحث اهانت بود.

# ادامه مبحث چهارم**[[1]](#footnote-1)**: قصدی یا غیر قصدی بودن ایذاء

ادامه مبحث چهارم را ذکر می‌کنیم. در اینجا همان‌طور که قبلاً عرض شد احتمالاتی متصور است.

## احتمال اول: قصدی بودن اهانت و ایذاء

یک احتمال که ممکن است ابتدا به ذهن بیاید این بود که ایذاء و اهانت عنوان قصدی باشد. اهانت و ایذاء و استهزاء وقتی صدق می‌کند که فاعل این فعل هدف‌گیری کرده باشد و آن کار را به‌قصد تحقیر و امثال آن انجام داده باشد.

## احتمال دوم: غیر قصدی بودن

احتمال دوم که به نحوی در ابتدای بحث تقویت کردیم این بود که اهانت و تحقیر و همین‌طور اکرام و تعظیم عناوین قصدیه نیستند بلکه اینها یک واقعیتی در عالم خارج دارند که از افعال انتزاع می‌شوند ولو اینکه قصدی هم در کار نباشد. افعالی صادر می‌شود که عرف می‌گوید این تکریم شخص دیگری بود. یا عرف از آن انتزاع تحقیر می‌کند. یک واقعیت خارجیه‌ای است و کیفیتی در عمل است که عقلا از آن خرد کردن شخصیت دیگری را انتزاع می‌کنند و همین موضوع حکم است. البته وقتی عقاب بر این موضوع حکم تنجز پیدا می‌کند که متعلق علم باشد. علم که باشد قصد قهری هم همراهش وجود دارد. نه قصد استقلالی. باید متوجه باشد که عقلا از این فعلش تحقیر انتزاع می‌کنند. البته ناسی غافل و جاهل طبعاً معذور است نه اینکه موضوع حکم نیست. واقعاً تحقیر و مبغوض است ولی غافل از مسئله بوده است. درحالی‌که اگر عنوان قصدی باشد موضوع حکم در کار نیست نه اینکه موضوع هست ولی تنجز ندارد.

سؤال: ثمره‌ای هم دارد؟

جواب: بله ثمره خیلی دارد. اگر قصد ملاک باد بحثی می‌آید که قصد استقلالی است یا قهری هم کافی است. معمولاً می‌گویند قصد استقلالی باید باشد. یعنی با قصد مستقل اینکه او را تحقیر کند انجام دهد. در این صورت اگر قصد استقلالی ندارد و علم دارد و به‌تبع قصد قهری پیدا می‌شود در این صورت اگر عنوان قصدی و قصد استقلالی است در مواردی که علم دارد حرام نیست. اینجا ثمره‌اش ظاهر می‌شود.

## احتمال سوم: تفصیل

مقداری احتمال دوم را ترجیح دادیم. اما احتمال سومی اینجا مطرح است که گاهی در بعضی کلمات درجاهای دیگری از فقه مطرح می‌شود. اینکه عناوینی که در فقه موضوع احکامی است گاهی واضح است که قصدی نیست و گاهی واضح است که قصدی است و موارد زیادی اختلافی است. مثلاً در کتاب صلات که اداء و قضاء قصدی است یا نه پرونده مفصلی دارد. مباحث متعددی در فقه در باب قصدی یا غیر قصدی بودن عناوینی از افعال داریم و دامنه بحث هم وسیع است. و اینکه قصد چه مقدار در واقعیت‌های افعال تأثیر دارد. هم اینکه عناوین قصدی است یا نه مورد بحث‌های عمیق قرار گرفته و هم اینکه قصد چه تأثیری دارد؟ مثلاً می‌گوید زکات را به او بده یا به نیت پرداخت عزل کند. این قصد و نیت چه تأثیری دارد؟ آیا خمس و زکات تعین پیدا می‌کند؟ از این قبیل که بحث این است که نیت و قصد چه تأثیری می‌کند. کسی اموالی در بانک دارد که سال قبل خمس دارد و اموالی به آن اضافه شده و هزینه هم کرده و مقداری مانده. حال خرج‌هایی که کرده از مخمس بوده یا از غیر مخمس؟ اگر از مخمس بوده باید خمسش را بدهد و اگر از غیر مخمس باشد لازم نیست خمس بدهد. می‌گویند با قصد حالت افراز و تقسیم پیدا می‌کند درحالی‌که واقعیت یکی است. پس نیت و قصد هم در صدق عناوین و هم فراتر از صدق عناوین محل بحث‌های متعدد در جای‌جای بحث‌های فقهی است.

احتمال سومی که اینجا وجود دارد و بعضی هم درجاهای دیگر به نحوی گفته‌اند این است که تحقیر و اهانت در مواردی عنوان غیر قصدی است و در مواردی قصدی است. این نه آن‌طور که در احتمال اول گفته شد مطلقاً عنوان عرفی عقلایی غیر قصدی است و نه آن‌طور که در دوم گفته شد همیشه قصدی است. بلکه گاهی غیر قصدی است و گاهی قصدی. با بیانی که عرض خواهم کرد. در پاره‌ای از موارد اهانت از طریق فعلی صادر می‌شود که وضوح آن فعل و ظهور آن فعل در اهانت بسیار بالاست. فعل مشترکی نیست که گاهی این‌طور باشد و گاهی آن‌طور. رفتاری است که عموم عقلا آن را اهانت به شمار می‌آورند و رفتاری نیست که گاهی در این مقام صادر می‌شود و گاهی خیر. مثلاً کسی در انظار دیگران کتک بزند محکم در گوش طرف بزند این کار ندارد که کسی این را بد بداند و کسی نداند و مشترک است بین اهانت و غیر اهانت، این فعل علی‌الاصول در مقام تحقیر است. در گوش کسی زدن یا لخت مادرزاد کردن شخصی تحقیر است. ظهور این افعال در تحقیر و اهانت بسیار برجسته است. در اینجا قصد دخالت ندارد و عرف به‌صورت واضح تحقیر و اهانت برداشت می‌کند و موضوع حرمت است. در اینجا هم همین‌که کسی توجه داشته باشد موضوع حرمت است و اینکه قصد استقلالی بخواهد و برای این انجام داده باشد شرط نیست.

اما نوع دوم آنجایی است که افعالی حالت مشترک دارد. ظهور و بروز در اهانت و تحقیر ندارد. مثلاً درجاهای مختلف فعل صادر می‌شود و این‌طور نیست که از مبرزات بارزه تحقیر و اهانت باشد. برحسب شرایط گاهی از آ« برای اهانت و تحقیر استفاده می‌شود. مثل خیلی رفتارهایی که در فرهنگ‌های گوناگون متفاوت است. مثلاً دستش را به نحو خاصی بگیرد در این رفتارها که ظهور واضحی در اهانت و غیر اهانت ندارد قصد دخیل است. یعنی اگر به‌قصد اهانت انجام دهد حرام است و الا حرام نیست. شبیه این را در ایذاء گفته‌اند. شاید فتوای امام هم در تحریر این باشد که ایذاء دو مصداق دارد. یکی جایی که رفتاری همه برداشت کنند که این رفتار یعنی آزار دیگران که این حرام است. اما برخی مصادیق ایذاء تابع قصد است و عرف در صورت قصد برداشت ایذاء می‌کند. مثلاً کسی ساختمانش را چندطبقه می‌سازد. این چیزی نیست که ذاتش ایذائی باشد. اینجاها می‌گویند اگر به‌قصد ایذاء باشد حرام است و الا حرام نیست. خیلی از رفتارهاست که اگر قصد نباشد ایذاء صادق نیست ولو طرف آزاری هم می‌بیند. ولی بحث این است که عنوانی که موضوع تحریم است استصغار و فعل عمدی است که طرف انجام می‌دهد. در این عناوینی که افعال مشترک است گرچه اذیت صادق می‌شود اما ایذاء اگر بخواهد صدق کند قصد می‌خواهد. این حرف خیلی جدی است و طبق این فتوا داده شده است.

سؤال: تأذی با ایذاء تلازم ندارد.

جواب: بله. ممکن است او متأذی می‌شود هرچند من متوجه نباشم. مثل حسادت که الکی متأذی می‌شود. احساس اذیت شدن موضوع نیست بلکه موضوع ایذاء و تحقیر و اهانت به‌عنوان فعل مسند به فاعل است و این درجایی است که قصد باشد مگر اینکه فعل ظهورش در اذیت کردن خیلی بالا باشد به‌گونه‌ای که عرف می‌گوید اینجا تابع قصد نباشد.

این یک احتمالی است که در اینجا وجود دارد و بعید هم نیست و شاید از دو احتمال قبل بعیدتر باشد. احتمال اول اینکه مطلقاً قصدی است و دوم اینکه مطلقاً قصدی نیست و سوم تفصیل است.

سؤال: در احتمال سوم نوعی عقب‌نشینی وجود دارد زیرا ما ماهیت مفهوم شرعی را می‌خواهیم کشف کنیم برداشت عرف را بها می‌دهیم

جواب: عقب‌نشینی جاهایی خوب است.

سؤال: نمی‌شود گفت حقیقت شرعی‌اش با قصد است و عرف کارکرد ایجاد می‌کند

جواب: حقیقت شرعیه اینجا نداریم. در صلات و صوم هم محل بحث است چه برسد به این عناوین که حمل بر مفاهیم عرفیه می‌شود. اینجا شرع هم نباشد می‌گوید عرف هم این‌طور است. بعضی افعال اگر صادر شد می‌گوید این ایذاء می‌کند و بعضی افعال که ظهور وثیقی با دیگری ندارد می‌گوید اینجا تابع نیت است. العقود تابعه للقصود اینجا هم می‌گوید این موارد تابع قصد است. اگر قصد آزار رساندن است حرام است و الا حرام نیست. مثلاً جایی قصد نمی‌خواهد. مثلاً در زمین او چیزی بسازد. غیر از غصب آزار است. عرف نمی‌گوید قصدش چه بوده و می‌گوید ایذاء است. اما جایی کار خودش را می‌کند اما پرش طرف دیگر را هم می‌گیرد اینجا باید با قصد ایذاء باشد.

سؤال: قصد قید مفهوم است یا از حکم است؟

جواب: مفهوم گاهی متوقف بر قصد است و گاهی نه.

سؤال: ممکن است مفهوم صدق کند ولی قصد نباشد

جواب: این احتمال دوم است.

احتمال سوم دو تقریر دارد یکی اینکه مفهوم همین است که می‌گوییم. درجایی متقوم به‌قصد است و گاهی نه. در این صورت مفاهیم سه قسم است. برخی متقوم به‌قصد است مطلقاً و گاهی متقوم به‌قصد نیست مطلقاً و سوم مفاهیمی که ذووجهین‌اند درجاهایی به‌قصد تقوم دارند و گاهی نه. تقریب دیگر اینکه مفهوم ایذاء و تحقیر قصدی نیست اما به خاطر قرائن و شواهدی می‌گوییم بدون قصد موضوع درست نمی‌شود. موضوع جاهایی اذیتی است که قصد هم کنارش باشد. این تقریر دوم است. ما تقریر اول را ذکر کردیم. باید قصد باشد تا ایذاء نسبت داده شود. دقتی هم که هست این است که قصد در مفهوم اذیت نیست بلکه در مفهوم باب افعالی و تفعیلی است در فعل متعدی از فاعل است. در فعلی که می‌خواهد مسند به فاعل شود و الا اذیت صرف ممکن است ایذائی در کار نباشد و اتفاق غیر عامدانه‌ای در عالم باشد و او اذیت شود مثل زلزله. تأذی تابع قصد نیست ولی ایذاء در مواردی قصد می‌خواهد و اگر قصد نباشد صدق ایذاء نمی‌کند.

## حل مشکل ارتکاز با احتمال سوم:

این احتمال سوم مشکل ارتکاز که می‌گفت نمی‌گذارد اینها مطلق باشد حل می‌شود. مشکل این بود که ارتکاز متشرعه نمی‌پذیرفت که مطلق ایذاء مثلاً حرام است. با این تحلیل اطلاق را هم می‌توان پذیرفت. زیرا اطلاق می‌گوید ایذاء مطلقاً حرام است و با ارتکاز تصادم نمی‌کند زیرا مفهوم ایذاء مفهوم وسیع بی‌ضابطه‌ای نیست بلکه مفهومش این است که فعلی که صادر از موذی است یا باید منحصر و ممحض در ایذاء باشد یا از افعال دیگری است که در این صورت باید قصد استقلالی در آن باشد. علم و توجه صرف نه بلکه قصد استقلالی در آن باشد. در این صورت خیلی از افعالی که صادر می‌شود از افعال مشترکه است. رانندگی خود را می‌کند خانه خود را می‌سازد ولی شخص دیگر ناراحت می‌زند. فعل هم ضرری به او وارد نمی‌کند. ناخوشایندش است ولی اشکال ندارد. مشکل تصادم اطلاقات با ارتکاز متشرعه که مانع از اطلاق می‌شد با این تحلیل حل می‌شد.

سؤال: گاهی اگر قصد نکنم به نفعم است. مثلاً من خانه می‌سازم فلانی متضرر می‌شود یا من در باغم درخت گردو می‌کارم بعد درختان او آفتاب نمی‌خورد

جواب: بله. قصد نباشد حرام نیست. بله جایی خود فعل اذیت و آزار عرفی است. اما اگر افعالی است که ذووجهین و ذو جهات است در این افعال باید قصد باشد و موضوع تحقیر و اهانت نیست.

سؤال: در خود این موارد ذووجهین علم من به تحقق تأذی در طرف باعث نمی‌شود که بگوییم نوعی از قصد محقق شده؟

جواب: این قصد تبعی است. اما ما می‌گوییم قصد مستقل را عرف می‌گوید نه صرف قصد تبعی و علم. و الا اینکه اقدام را می‌کند به نحوی قصد تبعی هم کرده. لذا اگر بگوییم قصد اعم از قصد تبعی و استقلالی باشد با علم یکی می‌شود. و ثمره پیدا نمی‌کند. ولی می‌گوییم جاهایی قصد نیست و دخالت ندارد و جاهایی قصد استقلالی در صدق فعلی که حاکی از آن معنای متعدی است دخالت دارد.

این احتمال سوم تصادم اطلاق و ارتکازات را هم رفع می‌کند. با این بیان می‌توان به اطلاق آنها هم پایبند بود. رفتارهایی که عرف می‌گوید ایذاء است چه قصد استقلالی بکند چه نه. فقط برای تنجز تکلیف می‌گوید باید علم داشته باشد که قصد تبعی هم می‌آید. اما در بسیاری از عناوین دیگری که فعل تمحض در ایذاء ندارد و ممکن است در گوشه‌ای به کسی دیگر هم اذیت برساند این نیاز به‌قصد دارد. مثلاً افعالی که مصالح و جهات متعدد دارد و از کسی صادر می‌شود این را شارع می‌گوید و عقل و عقلا هم همین را می‌گوید. این را وقتی کسی می‌گوید که قصد شرورانه باشد. عالم هم عالم تزاحم است. در این صورت که گوشه‌ای به دیگری ضرر می‌زند می‌گوید باید ضرر بزند.

سؤال: عملش نشان‌دهنده است. عرف می‌گوید درخت کاشتی بعد چند سال آفتاب به او نمی‌خورد.

جواب: او هم درخت بکارد. صبح هم نوع ماشین بیرون آوردن کسی را آزار می‌دهد. بعضی از قیافه انسان خوششان نمی‌آید. همسایه هم هست. از آخوند و حزب‌اللهی بدش می‌آید. با این نظر ارتکازی که گفتیم حل می‌شود.

سؤال: جاهایی ایذاء هست ولی ایذاء کمی است قصد ایذاء هم دارد ولی شاید حرام نباشد مثل نیشگون می‌گیرد.

جواب: ممکن است چون کم است از حرمت انصراف دارد. و حرام نیست.

سؤال: قصد فعل منظور است یا قصد اذیت؟

جواب: قصد تحقیر و اذیت. قصد تبعی گاهی با علم یکی می‌شود. اینجا هم قصد تبعی نسبت به علم به اذیت است. وصف اذیتی که در فعل است نه خود فعل.

1. در جلسه قبل تحت عنوان مبحث پنجم بحث ادامه پیدا کرد اما استاد گفتند این ادامه مبحث چهارم است. [↑](#footnote-ref-1)